

اهلیت عبارت است از توانایی قانونی شخص برای داراشدن یا اجرای حق. توانایی داراشدن حق اهلیت تمتع و اهلیت اجرای حق اهلیت استیفا است. اصولا هر شخصی دارای اهلیت تمتع است. بدین معنی که می تواند صاحب حق شود. بنابراین اصل براین است که هر شخص دارای اهلیت تمتع است با این وجود در برخی موارد عدم اهلیت تمتع را می بینیم مثل ، صغیر و مجنون و سفیه نمی توانند قیم شوند و در اصطلاح فاقد اهلیت تمتع در این مورد هستند ممکن است شخص اهلیت استیفا داشته باشد اما نتواند بدون دخالت کس دیگر حق خود را اجرا کند در اصطلاح به این چنین اشخاص که فاقد اهلیت استیفا هستند محجور می گوییم که من در پایین به یکی از موردها (سفیه) می پردازم و اعمال حقوقی اش را مورد بررسی قرار می دهم. طبق ماده ۱۲۰۷ ق.م اشخاص زیر محجور و از تصرف در اموال و حقوق مالی ممنوع هستند: ۱. صغار ۲. اشخاص غیر رشید (سفیه) ۳. مجانین.

سفیه : حجر بر سفیه محدود به امور مالی است و هم چنان که تعبیر و تعریف آن در حقوق مدنی بر می آید : غیررشید کسی است که تصرفاتش در اموال و حقوق مالی خود عقلائی نباشد سفیه را نباید با مجنون اشتباه گرفت زیرا مجنون فاقد درک و تشخیص است اما سفیه دارای مرحله ای از تشخیص است لیکن به خاطر ضعف قوای دماغی از دخالت در امور و حقوق مالی اش منع شده است. برای خارج شدن سفیه از این وضعیت و رسیدن به رشد سن خاصی در قانون پیش بینی نشده است لیکن رویه و عرف قضایی سن ۱۸ سال را سن رشد تلقی می کنند و بدین معنی است که هر کس به سن ۱۸ سال تمام برسد از سفه خارج و به رشد می رسد. هم چنان که گفتیم اعمال حقوقی سفیه و عدم اهلیت استیفا او محدود به امور مالی است و در امور غیر مالی مانند طلاق و شهادت دارای اهلیت است و هم چنان چون دارای درجه ای قوه تشخیص است قانون گذار به او اجازه می دهد مانند صغیر ممیز اعمال صرفا نافع مثل قبول هبه و حیازت مباحثات را بدون نماینده خود انجام دهد و این اعمال سفیه کاملا نافذ و صحیح است.